

تأثیر واگرایی اقتصادی کشورهای اسلامی بر همگرایی جهان اسلام

امیرمحمد ایزدی^۱، علی موسائی^۲

چکیده

یکی از مناطق مستعد برپایی همگرایی، جهان اسلام است که از جنوب شرق آسیا تا غرب آفریقا امتداد یافته است و بیش از پنجاه کشور را در برمی‌گیرد که در صورت تحقق، نقشی اساسی در قدرت‌یابی مسلمانان می‌تواند داشته باشد. یکی از عوامل ایجاد همگرایی بین کشورهای اسلامی اقتصاد است که هم ناشی از پتانسیل غنی و متنوع اقتصادی جهان اسلام است و هم یک ضرورت برای توسعه داخلی این کشورها می‌باشد. اما علیرغم پتانسیل و ضرورت مذکور، شاهد واگرایی اقتصادی کشورهای اسلامی و در نتیجه ناکام ماندن همگرایی جهان اسلام هستیم که ضرورت شناسایی علل و عوامل اصلی واگرایی اقتصادی کشورهای اسلامی را ایجاد می‌کند. بنابراین، هدف اصلی این مقاله، با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و براساس چارچوب نظری همگرایی، پاسخگویی به این سوال است که اقتصاد بعنوان یک عامل بنیادین در روابط کشورها، چه تأثیری بر همگرایی جهان اسلام دارد؟ یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که واگرایی اقتصادی کشورهای اسلامی، یکی از عوامل پایه‌ای در جلوگیری از شکل‌گیری همگرایی در جهان اسلام است.

واژگان کلیدی: توسعه اقتصادی، جهان اسلام، واگرایی، همگرایی

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه اصفهان

^۲ دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه اصفهان al.mousaci@gmail.com

مقدمه

پس از تشکیل نظام دولت - ملت حاصل از پیمان وستفالی،^۱ اگرچه کشورها درصدد همکاری با یکدیگر برآمدند؛ اما بطور مشخص بعد از جنگ جهانی دوم، با رشد احساسات انترناسیونالیستی^۲ در کنار رشد اندیشه ناسیونالیستی^۳ حاصل از فروپاشی نظام استعماری و همچنین با موفقیت‌های آسه‌آن^۴ و اتحادیه اروپا^۵، همگرایی تبدیل به یکی از اصول حاکم بر سیاست جهانی شد (Borzel, 2016: 232). لذا از سال‌های پایانی قرن بیستم، نظر اندیشمندان سیاسی به سمت همگرایی منطقه‌ای^۶ سوق پیدا کرد و این امید به وجود آمد که حتی دشمنان قدیمی نیز می‌توانند با خاتمه دادن به رقابت‌های ایدئولوژیک^۷ و اقتصادی، زمینه‌های همکاری بیشتر را فراهم آورند (سیف‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۳۶). و از این طریق دست کم بصورت نسبی زمینه رونق تجارت درون منطقه‌ای، توسعه کشورهای عضو، میزان مطلوب امنیت، صلح و توسعه اقتصادی را فراهم آوردند (Cuadrado & Parellada, 2013: 52). در همین راستا، بسیاری از محققین لازمه قدرت‌یابی جوامع اسلامی را همگرایی اقتصادی کشورهای اسلامی دانسته و عنوان می‌دارند چنانچه مزیت‌های اقتصادی کشورهای اسلامی در کنار یکدیگر قرار گیرند، می‌تواند ابزار مناسبی برای ایجاد همگرایی در راستای شکوفایی تمدن اسلامی باشد. اما جهان اسلام هرچند از امکانات و توانایی‌های عظیم بالقوه و بالفعل در زمینه‌های طبیعی، انسانی، موقعیت بی‌نظیر جغرافیایی در صحنه جهانی و اشتراکات عدیده فرهنگی - دینی برخوردار است؛ اما تاکنون نتوانسته به یک همگرایی دست یابد. از این‌رو، مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و بر مبنای نظریه همگرایی، سعی دارد به بررسی الزامات اقتصادی همگرایی جهان اسلام بپردازد. برای گردآوری داده‌ها با ابزار فیش‌برداری به منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی مراجعه شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹ Treaty of Westphalia

² Internationalism

³ Nationalism

⁴ ASEAN

⁵ European Union

⁶ Regional convergence

⁷ Ideological

۱- مفاهیم تئوریک

۱-۱- همگرایی

همگرایی عموماً اشاره به فرآیندی داوطلبانه دارد که بر مبنای آن، واحدهای سیاسی در راستای رسیدن به اهداف مشترک با صرف نظر کردن از اعمال حاکمیت خویش، از یک قدرت فوق ملی تبعیت می‌کنند (قوم، ۱۳۹۰: ۲۴۸). عبارت دیگر، همگرایی میان دولت‌ها نوعی پیکربندی جمعی از لحاظ تصمیم‌گیری ایجاد می‌کند که به نمونه ایده‌آل فوق ملی شباهت دارد و در آن بر روابط فرادولتی به جای میان دولتی تأکید می‌شود (Larsen, 2008:4). فرآیند همگرایی در ابتدایی‌ترین شکل خود، از یک نقطه شروع^۱ آغاز می‌گردد و سپس در ادامه این روند تکاملی به مرحله اساسی‌تر به نام خیز^۲ رسیده و نهایتاً به کامل‌ترین سطح یعنی تسری^۳ منتهی می‌شود. رسیدن به این سطح، مستلزم بسط همکاری‌ها در حوزه‌های اقتصادی، فنی، تجاری، سیاسی، فرهنگی و ... می‌باشد. در این سطح است که به گفته جوهان کالتونگ^۴، دو یا چند بازیگر سیاسی تبدیل به یک موجودیت سیاسی واحد گردیده و فرایند همگرایی کامل می‌شود (محمدی، ۱۳۷۰: ۴۵-۴۴). در مجموع فرایند همگرایی در پی آن است که علل شکل دهنده به اختلافات مانند اهداف ملی و دیدگاه‌های ناسیونالیستی را کم‌رنگ نموده و از طریق بسط همکاری‌های فنی، اقتصادی، تجاری و سیاسی صلح و آرامش را در یک منطقه یا جهان برپا نماید (Iuzzolino & Pellegrini, 2013: 31).

۳۷

در مطالعه همگرایی و یکپارچگی سیاسی دو سوال اساسی مدنظر است: اول اینکه چرا اتباع یا شهروندان برای واحد سیاسی که در آن زندگی می‌کنند، حرمت و تقدس قائل هستند؟ و دومین سوال این است که چگونه اجماع شکلی و ماهوی در درون سیستم‌های سیاسی^۵ حاصل شده و تداوم می‌یابد؟ اساساً دو دیدگاه در پاسخ به این دو سوال و علت شکل‌گیری همگرایی بیان می‌گردد: بر مبنای دیدگاه اول، نظام‌های سیاسی به دلیل وجود ارزش‌های مشترک و فراگیر و بواسطه توافق عمومی در باب چارچوب نظام حاصله به وجود می‌آیند و به دنبال دستیابی به انسجام و همبستگی و نهایتاً حفظ آن خواهند بود. نظام حاصله بر اجماع شکلی، یعنی توافق عمومی درباره چارچوب سیاسی و رویه‌های حقوقی حل‌وفصل مسائل و نیز اجماع ماهوی به معنای توافق عمومی درباره ماهیت و راه‌حل‌های مسائل موجود در سیستم سیاسی بنیان نهاده می‌شوند. دیدگاه دوم

¹ Initiation

² Takeoff

³ Spillover

⁴ Johan Galtung

⁵ Political Systems

مدعی است که نظام‌های سیاسی بواسطه کاربرد یا تهدید به کاربرد زور به انسجام دست یافته یا آن را حفظ می‌کنند. نویسندگانی چون هابز^۱ و دارندورف^۲ به اهمیت قهر و اجبار در همگرایی جوامع سیاسی اشاره داشته‌اند (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۸: ۶۶۶-۶۶۵). از این رو می‌توان گفت فرایند همگرایی لزوماً داوطلبانه نبوده و می‌تواند از طریق زور و اجبار نیز شکل گیرد.

اگرچه اکثر نظریه‌های همگرایی، همگرایی منطقه‌ای را مورد توجه قرار داده‌اند؛ اما این نظریات بر مبانی نظری استوار شده‌اند که می‌توانند ابعاد جهانی نیز به خود بگیرند (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۴۰). توجه به نکته مذکور از این نظر حائز اهمیت است که برخی محققین بین همگرایی منطقه‌ای و گروه‌بندی منطقه‌ای تفاوت قائل می‌شوند (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۰۵-۲۰۴). به نظر این دسته از محققین، همگرایی منطقه‌ای به معنی درهم‌آمیزی سیاسی، اقتصادی و راهبردی کشورها در منطقه‌ای خاص برای ایجاد یک سیستم منطقه‌ای یکپارچه است. درحالی‌که گروه‌بندی منطقه‌ای غالباً به معنی گردهم‌آیی شماری از کشورها در مناطق گوناگون جهان برای ایجاد یک سیستم ژئوپلیتیک^۳ منطقه‌ای است. از این رو می‌توان نظریات همگرایی را به گروه‌های منطقه‌ای نیز سرایت داد. در این راستا، تشخیص و تحلیل نیروهایی که به تشکیل و همگرایی جوامع سیاسی کمک می‌کنند، در مطالعات سیاسی از اهمیت محوری برخوردار است. بر همین اساس، این مقاله قصد دارد به اهمیت اقتصاد بعنوان یکی از مهم‌ترین عوامل در مبحث همگرایی پرداخته و نقش آن را در همگرایی جهان اسلام مورد بررسی قرار دهد.

۳۸

۱-۲- همگرایی جهان اسلام

جهان اسلام اصطلاحی برای اشاره به سرزمین‌هایی است که بیشتر مردم آن پیرو دین اسلام هستند. جهان اسلام، دنیایی پیچیده با ویژگی‌های مهم و تنوع هستی‌ها است که محدوده جغرافیایی آن از اندونزی شروع شده و در امتداد سواحل اقیانوس هند به سمت خلیج فارس ادامه می‌یابد، سپس به سمت جنوب به تانزانیا کشیده شده و از آنجا به سمت غرب آفریقا و از طریق سودان به نیجریه می‌رسد. سپس از سواحل اقیانوس اطلس به ساحل دریای مدیترانه امتداد یافته و این خط از شمال آفریقا از طریق دریای مدیترانه به سمت شرق ادامه می‌یابد و به تنگه بسفر^۴ در دهانه دریای سیاه می‌رسد و از آنجا به مرزهای شمالی قزاقستان و آنگاه دوباره از طریق غرب چین و بخش‌هایی از هند به سمت جنوب ادامه می‌یابد و در انتها با دور زدن

^۱ Hobbes

^۲ Dahrendorf

^۳ Geopolitics

^۴ Bosphorus

برونئی به نقطه شروع خود ختم می‌گردد (برژینسکی، ۱۳۸۶: ۷۴). دولت‌های اسلامی نیز در معنای عرفی، به دولت‌هایی در قلمرو اسلامی اطلاق می‌شود که اکثریت سکنه آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند. در اندیشه سیاسی و بویژه فقه سیاسی اسلام، بحث امکان وجود هم‌زمان دو یا چند دولت اسلامی ذیل بحث تعدد امامان یا خلفا مطرح می‌شود. قدمای اهل سنت، شیعه و خوارج معتقدند که جایز نیست مسلمانان در یک‌زمان دارای بیش از یک امام باشند و دلیل این امر را ضرورت یکپارچگی و وجوب وحدت جامعه اسلامی خوانده‌اند (تقوی، ۱۳۹۲: ۲۶۶). نظام سیاسی قدیم در جهان اسلام، به مرزبندی‌های سرزمینی در معنای امروزی آن محدود نشده و از این‌رو تکثر دولت در جهان اسلام پذیرفته نبود. نظریات قدیم به جای تمرکز بر مرزهای سرزمینی، بنیان اعتقادی داشته و در پی آن جهان را به دارالاسلام و دارالکفر تقسیم می‌کردند؛ چراکه اصولاً حول محور امام یا خلیفه و نه بر مبنای جغرافیای معین بنا نهاده شده بودند. اما بحث تعدد دولت‌ها در اسلام و تلاش برای همگرایی آنان از زمان خلافت عباسی که ریشه تعدد خلافت در جهان اسلام را بنیان گذاشت و بطور مشخص‌تر در پی آشنایی مسلمانان با اندیشه ناسیونالیسم و فروپاشی خلافت عثمانی در قرن بیستم که اعتراضاتی را به همراه آورد بطور وسیع مطرح شد (فیرحی، ۱۳۹۱: ۶۷-۶۵). در این میان موفقیت‌های اتحادیه اروپا و آسه‌آن، نقطه عطف دیگری بود که دولت‌های اسلامی سعی کردند تا با الگوبرداری از آنها در راستای اتحاد و همبستگی گام بردارند. با این همه نظریات و مدل‌های پیشنهادی ۳۹ جهت دستیابی به همگرایی اسلامی چندان کارساز نبوده است. برخی مانند شورای همکاری عرب هرگز فرصت آن را نیافتند که برای تحقق اهداف خود دست به اقدام عملی بزنند. برخی هم مانند سازمان کنفرانس اسلامی، اتحادیه عرب، گروه دی هشت^۱ و سازمان همکاری‌های اقتصادی به امید موفقیت در آینده، همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهند (ولایتی و سعید محمدی، ۱۳۸۹: ۷۶).

نظریه‌پردازان و فعالان مسلمان هر یک از دیدگاه‌های مختلف بر گونه‌ای از همگرایی تأکید داشته‌اند. برای نمونه ظاهراً هدف اصلی طراحان سازمان کنفرانس اسلامی، تأسیس حکومت واحد بصورت «اتحاد جماهیر اسلامی» بود که مسلمانان نه بصورت کشورهای فدرال مانند ایالات متحده آمریکا، بلکه هر یک از کشورهای اسلامی ضمن حفظ استقلال، ملیت، زبان، پرچم و پول خود، یک نوع همبستگی و همکاری متعادل در حوزه‌های سیاست خارجی، اقتصاد و ارتش با هم داشته باشند (سارلی، ۱۳۹۱: ۶۳-۶۲). برخی از خلافت‌گرایان جدید نیز با تعریف خلافت جدید در مفهوم منطقه‌گرایی اسلامی، مجلس شورای مربوط به سازمان کشورهای اسلامی را مطرح می‌نمایند. در این راستا محققینی همچون محمد ضیاء‌الدین ال‌ریس

^۱ D-8 Organization for Economic Cooperation

معتقدند با برپایی یک کمیته یا شورای قانون‌گذاری به‌منابه یک رکن اصلی، سازمان دولت‌های اسلامی می‌تواند بصورت شورایی و جمعی و با قانون اساسی مدون مبتنی بر اندیشه، تخصص و تقسیم‌کار، نظم منطقه‌ای جهان اسلام را اداره کند (فیرحی، ۱۳۹۱: ۱۶۰).

بطورکلی اگرچه میان کشورهای مسلمان گرایش‌هایی برای ایجاد همگرایی همواره وجود داشته است؛ اما عواملی نظیر قرائت‌های متفاوت و متضاد مذاهب اسلامی از دین اسلام، نظام‌های سیاسی متفاوت، تضاد منافع و برداشت‌های متفاوت سیاسی و امنیتی، رقابت میان آنها برای ایفای نقش برتر، وابستگی اکثر دولت‌های مسلمان به بازیگران محوری نظام بین‌الملل و ایجاد تفرقه میان کشورهای مسلمان توسط قدرت‌های بزرگ در راستای منافع خود باعث شده تاکنون این همگرایی شکل نگیرد. اما یکی از عوامل محوری در جلوگیری از همگرا شدن جهان اسلام، عامل اقتصاد می‌باشد که در ادامه به نقش آن در فرایند همگرایی پرداخته خواهد شد.

۳-۱- تأثیر اقتصاد بر شکل‌گیری همگرایی

برای تحلیل همگرایی، نظریه‌های مختلفی از سوی نظریه‌پردازان ارائه شده که هر یک در تحلیل خود، بر اولویت‌های متفاوت تأکید داشته‌اند، اما عموماً عوامل اقتصادی جزء عوامل اولیه‌ای بوده که در فرآیند همگرایی مورد توجه قرار گرفته است؛ زیرا فعالیت حول محور اقتصاد دارای بازده بیشتری نسبت به عوامل سیاسی، فرهنگی و امنیتی تلقی شده است (Salmon, 2005: 243). در این راستا، رشد دیدگاه‌های ژئواکونومیکی^۱ که رقیبی جدیدی برای نگرش‌های ژئوپلیتیکی در روابط بین‌الملل شده است، نقشی موثر داشته است؛ زیرا نظریه‌پردازان ژئواکونومیکی معتقدند که نظام بین‌الملل در حال تبدیل شدن به بلوک‌های اقتصادی رقیب است که در نهایت جایگزین بلوک‌های سیاسی و امنیتی نظام وستفالیایی می‌گردند (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۳۱). شواهد تاریخی نیز بر تأثیر اقتصاد بر همگرایی صحنه می‌گذارد. بطوریکه هر زمانی که زمینه‌های توسعه اقتصادی و فنی فراهم شده است، میل به همگرایی نیز زیاد شده است (Dinan, 2000: 77). که نمونه بارز این تأثیر بر همگرایی را می‌توان در اتحادیه اروپا مشاهده نمود. منشأ اتحادیه اروپا به جامعه اقتصادی اروپا باز می‌گردد که در سال ۱۹۵۷ با توافقنامه رم^۲ بین شش کشور اروپایی تشکیل شد و صرفاً یک اتحادیه اقتصادی بود. این اتحادیه از آن تاریخ با افزایش اعضای جدید، بزرگ‌تر شده و در سال ۱۹۹۳، با پیمان ماستریخت^۳ که منجر به ایجاد اتحادیه اروپا به شکل امروزی شد، اروپا را برای رسیدن به وحدت کامل تجهیز

^۱ Geoeconomic

^۲ Treaty of Rome

^۳ Maastricht Treaty

کرد. نمونه مهم دیگر، اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا معروف به آسه‌آن است. آسه‌آن در ۱۹۶۷ توسط برونئی، اندونزی و مالزی، فیلیپین، سنگاپور و تایلند پایه‌گذاری شد و در پی آن با پیوستن ویتنام در ۱۹۹۵، لائوس و برمه در ۱۹۹۷ و کامبوج در ۱۹۹۹ بسط یافت. هرچند توجه اولیه این اتحاد بعنوان محصول جنگ سرد^۱، متمرکز بر موضوعات امنیتی مخصوصاً موضوعاتی بود که به حل‌وفصل مناقشات درون منطقه‌ای و مقاومت در برابر نفوذ ابرقدرت‌ها ارتباط داشت (Heywood, 2011: 489). با این حال، بطور پیوسته این سازمان‌دهی اولیه به سمت همکاری‌های اقتصادی و تجاری پیش رفت؛ بطوریکه در سال ۱۹۹۲، پایه شکل‌گیری منطقه تجارت آزاد را بنا نهاد که نهایتاً در سال ۲۰۰۷ تکمیل گشت. به همین جهت، معمولاً گفته می‌شود هدف اصلی آنها همکاری اقتصادی دور از هرگونه موضع‌گیری و یا جبهه‌گیری در مقابل گسترش نفوذ کمونیسم^۲ بوده است (کولایی و سازمند، ۱۳۹۰: ۶۱).

از اواخر دهه ۱۹۸۰، با موفقیت‌های آسه‌آن و اتحادیه اروپا، نظر اندیشمندان سیاسی به همگرایی منطقه‌ای بیشتر جلب شد و این امید به وجود آمد که حتی دشمنان قدیمی نیز می‌توانند با تلاش و تدبیر و با خاتمه دادن به رقابت‌های ایدئولوژیک و اقتصادی، زمینه‌های همکاری بیشتر را فراهم آورند (سیف‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۳۶). اما علیرغم اهمیت جایگاه اقتصاد در تحلیل‌های مربوط به همگرایی، چگونگی تحلیل تأثیر اقتصاد حائز اهمیت است. برای مثال گروهی قائل به یک هسته مرکزی جهت پیشبرد همگرایی و گروهی دیگر به ساختار ۴۱ اقتصادی، میزان مکمل بودن و توسعه اقتصادی و کمیت تجارت کشورها با یکدیگر در فرآیند همگرایی تأکید دارند که در ادامه به دیدگاه‌های این دو گروه اشاره می‌کنیم.

گروهی همچون کارل دویچ^۳، فرایند همگرایی را همچون یک خط مونتاژ^۴ تصور می‌کنند که در بلندمدت پدید می‌آید. این فرآیند از یک هسته مرکزی شامل یک یا چند واحد سیاسی بزرگ‌تر، توسعه یافته‌تر و قوی‌تر آغاز گشته و رهبران آنها بعنوان نخبگان تصمیم‌گیرنده، رو به همگرایی می‌آورند یا کم‌وبیش همگرا عمل می‌کنند. در نگاه دویچ، قابلیت سیاسی و اقتصادی این مرکز برای همگرایی حائز اهمیت بوده و توان پاسخگویی و نیز سازگاری آن با نیازها و ارزش‌های واحدهای کوچک‌تر، جهت حفظ همگرایی ضروری است (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۴۵-۴۴). در این گروه، اشپیگل^۵ و کانتوری^۶، میزان همگرایی منطقه‌ای را معلول چهار عامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و سازمانی می‌دانند. به لحاظ اقتصادی، عامل مکمل بودن اقتصادی و توزیع

¹ Cold War

² Communism

³ Karl Deutsch

⁴ Assembly line

⁵ Spiegel

⁶ Cantori

منابع در کنار عامل سازمانی به همبستگی و یا بالعکس، جدایی بازیگران منطقه‌ای کمک می‌کند. هر منطقه همگرا دارای سه بخش مرکزی، حاشیه‌ای و مداخله‌گر است. بخش مرکزی به قسمتی اطلاق می‌شود که توجه اصلی سیاست بین‌الملل در هر منطقه به آن معطوف است. بخش حاشیه‌ای شامل کشورهایی می‌شود که در سیاست منطقه‌ای دارای نقش جانبی هستند و بالاخره بخش مداخله‌گر، مسئول پرداختن به امور کشورهای خارجی است که مشارکت آنها در امور منطقه‌ای حائز اهمیت است (سیف‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۰۴-۳۰۳). در مقابل این دیدگاه، نظریه‌پردازانی مانند جوزف نای^۱ قرار دارند. به نظر نای، گرچه وجود نواحی مرکزی یا برابری نسبی میان شرکت‌کنندگان در فرایند همگرایی اهمیت زیادی ندارد، با این حال می‌پذیرد که بین تجارت، همگرایی و سطح توسعه رابطه وجود دارد و وجود سازگاری در بین سه حوزه مذکور برای همگرایی منطقه‌ای حائز اهمیت است. نای معتقد است که نسبت به کشورهای پیشرفته صنعتی، ظاهراً میزان توسعه شرکت‌کنندگان بالقوه براساس تولید ناخالص ملی برای همگرایی کشورهای کم توسعه، اهمیت نسبتاً بیشتری دارد. بعبارت دیگر، او این فرضیه را مطرح می‌کند که لازمه همگرایی، تجانس توسعه اقتصادی و اختلاف کم بین درآمد سرانه کشورهای یک منطقه می‌باشد (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۸: ۶۸۳). شاید بتوان گفت دیدگاه این دسته از محققین با مفهوم همگرایی قطبی^۲ همپوشانی دارد که طی آن تنها کشورهایی که شرایط و ویژگی‌های ساختاری و شرایط اولیه آنها یکسان باشد، طی زمان با یکدیگر همگرا خواهند شد. بنابراین کشورهای ثروتمند عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۳ یک قطب همگرایی، کشورهای در حال توسعه، قطب دیگر و کشورهای توسعه‌نیافته نیز متعلق به قطب دیگری از همگرایی در طی زمان خواهند بود و لزومی ندارد که این قطب‌ها به هم همگرا شوند (فلاحی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۷۶). از این جهت، گفته می‌شود میزان درآمد سرانه و توسعه کشورها، امکان‌پذیری همگرایی کشورها را مشخص خواهد کرد.

با نگاهی به دیدگاه‌های ذکر شده، می‌توان گفت که کشورهایی که ساختار اقتصادی مشابه دارند و درآمد سرانه آنها اختلاف چندانی ندارد بواسطه داشتن کارکردهای مشابه در چارچوب نظم جهانی، با یکدیگر همگرا می‌شوند. اما با پیدایش واگرایی اقتصادی در ساختارها، کشورها نقش‌های متفاوت را می‌پذیرند که در قالب مرکز - پیرامون تعریف می‌شود.

¹ Joseph Nye

² Polar Convergence

³ Organisation for Economic Co-operation and Development

۲- تأثیر وضعیت اقتصادی کشورهای اسلامی بر همگرایی جهان اسلام

به نظر محققین، مزیت‌های اقتصادی کشورهای اسلامی که به لحاظ جمعیتی، حدود ۲۳ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، چنانچه در کنار یکدیگر قرار گیرند، می‌تواند ابزار مناسبی برای همگرایی جهان اسلام و در نتیجه شکوفایی تمدن اسلامی باشد (Ahmad Khan, 1981: 43). به نظر این محققین برخورداری از بخش عمده ذخایر انرژی جهان، قرار گرفتن در مسیرهای مهم انتقال انرژی، کالا و خدمات و برخورداری از بازار بزرگ نزدیک به دو میلیارد نفری، زمینه مناسبی برای تقویت بنیان اقتصادی کشورهای اسلامی نظیر ایجاد و تقویت یک بنیان اقتصادی نیرومند، دستیابی به ثبات بیشتر اقتصادی، گسترش بازارهای داخلی، بهره‌گیری کامل از منابع طبیعی و انسانی برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی، افزایش قدرت رقابت در بازارهای بین‌المللی، افزایش قدرت سیاسی ناشی از کاهش فشار سیاسی ناشی از تفاوت اقتصادی، گسترش مبادلات تجاری، توسعه بازار پولی با تشکیل بانک‌های منطقه‌ای، ایجاد پول مشترک و ... را فراهم می‌آورد که به‌نوبه خود می‌تواند زمینه را برای همگرایی جهان اسلام فراهم آورد (حسینی مقدم و صنیع اجلال، ۱۳۹۱: ۸). اما به نظر می‌رسد ساختار و سطوح متفاوت توسعه اقتصادی کشورهای اسلامی، همگرایی جهان اسلام را با مشکل مواجه کرده است. برای نشان دادن این ارتباط و جهت مقایسه در جدول شماره (۱)، سرانه تولید ناخالص داخلی برخی از مهم‌ترین کشورهای اسلامی در طی چند سال ذکر شده است.

۴۳

جدول (۱) سرانه تولید ناخالص داخلی کشورهای منتخب اسلامی

کشور/ سال	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹
آذربایجان	۱۴۶۵۲,۷۰	۱۴۸۷۵,۷۸	۱۴۸۵۳,۹۱	۱۴۲۳۸,۷۸	۱۴۱۲۱,۴۰	۱۴۲۰۹,۶۴	۱۴۴۰۳,۸۵
الجزایر	۱۳۷۰۲,۳۲	۱۴۴۹۹,۶۳	۱۵۳۲۸,۳۵	۱۶۱۶۶,۶۰	۱۶۷۳۵,۳۳	۱۷۷۱۱,۷۶	۱۸۴۱۲,۸۹
اندونزی	۹۴۵۶,۹۷	۹۸۰۱,۱۳	۱۰۱۴۹,۶۰	۱۰۵۳۱,۱۹	۱۰۹۳۵,۸۴	۱۱۳۷۱,۵۳	۱۱۸۱۲,۱۹
ایران	۱۲,۶۲۵,۰۹	۱۳,۳۸,۵۵	۱۳,۶۹۸,۱۰	۱۴,۲۰۵,۲۰	۱۴,۵۳۵,۸۶	۱۳,۴۷۱,۸۴۹	۱۲,۳۸۹,۲۲
بوسنی و هرزگوین	۱۱۷۵۴,۷۴	۱۲۰۹۶,۹۶	۴۶,۰۱۲,۶۶۲	۱۳,۲۲۷,۵۲	۱۳,۷۸۸,۴۸	۱۴,۴۲۲,۹۴	۱۴,۹۱۲,۰۸
ترکیه	۲۴۳۰۸,۷۵	۲۵۰۷۹,۰۴	۲۶۱۶۵,۳۹	۲۶۵۹۷,۱۹	۲۸۱۴۱,۱۹	۲۸۵۴۵,۲۴	۲۸۴۲۳,۶۴
تونس	۱۰۳۰۴,۸۰	۱۰۵۰۵,۲۶	۱۰۵۱۹,۷۳	۱۰۵۲۴,۹۹	۱۰۶۰۵,۲۵	۱۰۷۶۳,۷۸	۱۰۷۵۵,۶۰
پاکستان	۴۰۶۹,۲۲	۴۱۷۱,۲۵	۴۲۷۸,۳۴	۴۴۲۱,۶۷	۴۵۷۱,۴۱	۴۷۳۹,۷۶	۴۶۹۰,۴۸
عربستان	۴۷۸۷۴,۶۴	۴۸۲۰۸,۵۲	۴۸۹۲۱,۲۲	۴۸۶۲۷,۱۴	۴۷۳۰۹,۱۳	۴۷۵۹۶,۷۳	۴۶۹۶۲,۱۴
قطر	۹۵۵۰۰,۱۱	۹۵۵۷۸,۴۱	۹۵۹۶۵,۱۷	۹۵۶۰۱,۹۸	۹۱۷۳۸,۸۵	۹۰۹۷۰,۲۲	۹۰۰۴۳,۹۲

۴۹۸۵۳,۵۷	۵۰۴۷۸,۵۹	۵۰۸۵۵,۵	۵۴۷۰۸,۷۰	۵۴۸۳۴,۲۵	۵۶۶۴۷,۳۰	۵۸۹۹۵,۳۶	کویت
۱۴۵۵۱,۵۸	۱۵۶۱۲,۰۱	۱۶۰۰۵,۲۵	۱۶۱۰۸,۵۰	۱۶۲۹۹,۲۱	۱۶۹۶۶,۷۳	۱۷۵۳۲,۸۶	لبنان
۲۸۳۶۴,۴۸	۲۷۵۵۷,۶۵	۲۶۶۶۱,۱۸	۲۵۵۴۱,۶۴	۲۴۷۸۷,۷۲	۲۳۹۰۶,۲۶	۲۲۸۵۵,۹۸	مالزی
۱۱۷۶۳,۲۵	۱۱۳۶۶,۳۳	۱۱۰۱۴,۴۸	۱۰۷۹۵,۸۰	۱۰۵۷۰,۴۴	۱۰۳۵۳,۶۶	۱۰۲۹۰,۱۹	مصر
۱۲۲۴,۵۱	۱۲۰۰,۹۶	۱۱۶۳,۶۸	۱۱۵۱,۶۵	۱۱۳۲,۳۳	۱۱۲۷,۶۱	۱,۹۹,۴۳	نیجر

World Bank, 2022: GDP Per Capita, PPP (Constant 2017 International\$)

نکته: به جهت شیوع ویروس کووید ۱۹ و تأثیر آن بر اقتصاد کشورهای جهان، از ذکر آمارهای مربوط به سال ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ در جداول خودداری شده است.

در جدول فوق، تفاوت سطوح درآمد کشورها مشاهده می‌شود. اگر میانگین سرانه تولید ناخالص این کشورها محاسبه گردد، کشورهایی که به لحاظ اقتصادی، روبه واگرایی آورده‌اند، دو گروه هستند: کشورهایی مانند کویت و قطر که بواسطه درآمد سرانه تولید ناخالص داخلی بالا و اگر شده‌اند و کشورهایی مانند نیجر که بواسطه درآمد سرانه تولید ناخالص داخلی پایین به سمت واگرایی سوق پیدا کرده‌اند.

در جدول شماره (۲) جهت درک سطح تعامل تجاری کشورهای مذکور، میزان واردات کالای این کشورها از یکدیگر استخراج شده و در جدول شماره (۳) نیز برای درک بهتر این میزان تعاملات و به جهت مقایسه، واردات کالای این کشورها از سه کشور چین، روسیه و آلمان نیز به ترتیب از بالا به پایین برای سه سال متوالی ۲۰۱۷، ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ ارائه شده است:

جدول (۲) میزان واردات کالای کشورهای منتخب اسلامی از یکدیگر در سال‌های ۲۰۱۷، ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ (دلار)

کشور	آذربایجان	الجزایر	اندونزی	ایران	بوسنی	ترکیه
آذربایجان	-	۹۸۷/۴۲۶	۴۹/۲۹۵/۹۷۵	۲۳۹/۷۰۵/۹۹۴	۸۵۱/۴۱۱	۱/۲۷۳/۷۹۲/۵۵۴
	-	۱/۴۱۷/۵۸۰	۵۵/۷۹۲/۲۱۲	۴۱۴/۷۶۴/۳۹۳	۸۱۸/۱۰۳	۱/۵۷۶/۸۱۷/۴۱۰
	-	۱/۷۲۴/۵۶۹	۵۵/۴۵۹/۰۰۴	۴۵۲/۶۲۸/۳۷۸	۱۶/۶۵۸	۱/۶۴۶/۵۹۸/۵۴۱
الجزایر	۶/۶۵۲	-	-	-	۶/۶۵۲/۶۲۵	-
	-	-	-	-	-	-
	-	-	-	-	-	-
اندونزی	۴۰۸/۳۸۳/۱۴۶	۳۱۲/۸۳۴/۲۸۰	-	۳۶۰/۲۸۱/۱۶۳	۲/۶۶۴/۱۱۱	۵۳۴/۱۲۱/۲۰۸
	۴۳۷/۱۳۵/۵۳۹	۳۷۲/۰۲۷/۵۰۳	-	۴۱۹/۰۶۲/۹۷۳	۷۶۲/۲۴۷	۶۱۱/۵۲۴/۶۸۵
	۱۲/۳۳۶	۲۵۲/۲۳۶/۸۰۵	-	۲۳/۵۰۸/۳۴۳	۹۵۹/۶۱۱	۳۴۲/۲۳۰/۸۸۵

۳/۱۸۲/۸۸۵/۷۸۷	۴۰۲/۸۵۹	-	۱۹۳/۵۵۵/۳۵۸	۱۶	۲۶/۸۹۰/۷۸۸	ایران
۲/۵۸۰/۴۲۴/۳۱۱	۷۵/۶۳۵	-	۱۳۰/۹۳۷/۹۲۶	۳۰۰	۲۰/۵۸۵/۲۶۴	
-	-	-	-	-	-	
۴۴۱/۶۳۷/۷۱۲	-	۶/۹۱۳/۵۸۴	۲۶/۰۰۴/۷۷۱	۱/۴۳۸/۰۹۳	۱۳/۱۹۳	بوسنی و هرزگوین
۵۲۷/۶۰۰/۸۴۶	-	۹۱/۳۹۸/۷۰۶	۲۲/۴۱۰/۲۰۶	۸۹/۲۹۴	۳۹/۱۴۸	
۱۶۷/۲۳۲/۶۴۰	-	۱۱/۶۷۶/۱۸۳	۲۶/۴۸۴/۵۲۴	۱۳۸/۱۲۰	۳۹۱	
-	۲۶۸/۹۷۴/۳۹۸	۷/۴۹۲/۱۰۴/۰۸	۱/۵۰۶/۸۱۶/۵۱۸	۷۶۶/۸۰۳/۴۰۰	۳۵۰/۸۶۹/۶۷۰	ترکیه
-	۲۴۱/۲۲۱/۴۱۱	۶/۹۳۱/۲۵۶/۷۷۶	۱/۳۳۳/۹۳۵/۲۴۸	۱/۱۳۷/۹۱۳/۸۰۴	۳۷۸/۷۳۴/۱۱۶	
-	۱۹۳/۶۰۹/۶۵۷	۳/۶۰۸/۲۱۸/۵۱۲	۱/۳۵۲/۲۹۶/۳۹۳	۷۱۹/۲۶۶/۷۲۳	۴۱۱/۰۲۱/۵۵۷	
۹۳۶/۲۲۹/۵۴۰	۳۸۶/۴۲۲	۷/۸۹۷/۳۸۶	۶۴/۰۲۸/۹۲۰	۷۴۸/۲۵۷/۵۶۱	۳۲۵/۴۲۲/۹۵۴	تونس
۱/۰۳۶/۴۷۶/۸۸۹	۹۲۰/۳۸۴	۲۴/۵۸۲/۱۸۰	۶۲/۲۲۸/۸۰۹	۹۷۲/۸۲۲/۱۰۳	۳۰۵/۲۵۳/۴۶۲	
۹۷۵/۸۶۴/۷۷۵	۲/۱۱۸/۲۹۸	۳/۲۲۹/۱۴۶	۵۷/۴۷۶/۹۵۵	۱/۴۳۲/۴۰۴/۳۳۱	۱۸/۳۷۰/۶۵۳	
۲۶۸/۷۳۳/۳۶۹	۲۵۲/۳۸۱	۳۲۷/۱۸۰/۲۷۸	۲/۵۸۳/۲۶۷/۰۲۲	۳۲۰/۴۳۱	۱/۷۴۶/۵۳۱	پاکستان
۳۵۷/۸۶۹/۲۴۸	۱/۷۴۲/۵۵۱	۳۷۳/۹۷۱/۹۹۰	۲/۵۰۲/۳۷۱/۶۹۶	۵۶/۳۲۴/۸۴۶	۸۷۷/۷۲۶	
۳۷۵/۹۹۸/۵۳۷	۱/۱۶۶/۲۳۲	۵۳۱/۸۶۰/۲۷۱	۲/۲۱۸/۹۹۲/۷۷۲	۸۸/۸۰۰/۵۵۴	۷۹۶/۹۰۵	
۳/۰۱۶/۶۲۴/۵۷۰	۱۲/۸۶۹/۱۰۷	۱۹۴/۸۳۲	۱/۶۷۲/۵۵۷/۱۱۰	۴/۷۶۵/۴۲۱	۴۴۲/۸۰۸	عربستان
۲/۶۵۷/۵۱۲/۶۷۶	۱۳/۶۱۶/۳۰۴	۱۴۰/۲۱۰	۱/۵۷۷/۶۴۴/۹۴۰	۷/۷۵۸/۶۷۱	۴۱۰/۷۶۰	
۲/۹۸۱/۴۲۷/۴۲۵	۲۶/۴۸۶/۴۱۳	۱۰۴/۴۵۹	۲/۱۶۲/۹۱۸/۰۶۶	۲۵/۵۳۰/۳۸۰	۱/۳۴۱۵/۱۳۳	
۸۰۵/۰۸۶/۴۲۳	۱/۹۸۳/۰۴۳	۸۱/۹۸۹/۸۲۶	۱۳۲/۰۷۱/۲۳۰	۳/۸۱۹/۳۰۸	۲/۰۶۱/۰۲۳	قطر
۱/۲۸۶/۹۳۱/۶۶۸	۳/۰۸۷/۸۰۳	۴۱۸/۴۷۶/۷۵۸	۱۳۵/۳۴۷/۶۶۴	۱۶/۰۴۲/۷۴۲	۲۸۳/۹۲۲	
۱/۲۰۰/۶۶۶/۲۹۱	۳/۵۴۸/۷۴۱	۲۱۴/۱۷۴/۳۰۷	۱۹۵/۹۷۵/۸۷۷	۴/۱۰۱/۱۵	۲۷۵/۵۱۸	
۵۷۸/۳۹۱/۶۱۴	۲/۳۹۳/۰۶۱	۱۸۰/۳۰۹/۸۷۹	۱۹۳/۶۳۴/۹۰۹	۲/۳۱۵/۹۴۸	۱۰۶/۱۳۴	کویت
۶۹۵/۰۷۸/۵۴۴	۳/۴۹۲/۹۷۷	۳۵۸/۰۹۲/۴۹۶	۲۲۸/۰۴۲/۷۰۶	۵۸۲/۲۱۷	۳۳۶/۴۹۹	
۶۴۹/۸۱۳/۲۶۳	۲/۹۶۲/۸۸۶	۲۲۷/۴۸۱/۴۱۲	۲۷۱/۵۱۴/۹۳۲	۹۱۳/۷۸۶	۱۷۱/۸۳۲	
۷۷۷/۴۳۰/۶۶۸	۴/۴۳۹/۰۱۰	۶۲/۰۷۱/۷۱۹	۱۰۶/۵۰۰/۵۰۸	۳/۱۷۰/۷/۳۹۷	۱۵/۳۳۷/۷۰۴	لبنان
۹۴۸/۹۰۰/۰۵۶	۱/۸۷۱/۸۴۷	۴۸/۰۵۷/۶۸۳	۱۱۷/۲۰۷/۱۵۰	۳/۳۴۷/۶۲۴	۳۶/۳۴۷/۰۲۷	
-	-	-	-	-	-	
۳۶۱/۱۹۱/۷۷۹	۷۷۵/۲۳۴	۲۹۵/۰۱۱/۰۶۴	۸/۸۱۹/۳۵۰/۶۲۲	۲/۱۵۰/۲۵۹	۷۳۹/۰۹۳	مالزی
۴۵۱/۱۷۹/۹۶۱	۱/۶۳۲/۶۴۶	۲۴۹/۵۶۳/۹۹۲	۹/۹۷۳/۰۰۶/۹۶۶	۸۸/۷۰۴/۵۴۲	۱۴۳/۲۷۵	
۴۲۷/۸۶۴/۲۷۹	۸۱۶/۹۸۹	۴۶/۲۸۰/۵۰۴	۹/۳۶۳/۲۳۳/۹۹۷	۷۱/۳۱۱/۵۴۳	۲۳۱/۰۴۹	
۲/۰۹۶/۰۹۱/۱۷۵	۱۸/۲۶۵/۰۰۰	۱۹/۶۵۹/۵۹۴	۱/۰۷۸/۴۴۰/۴۰۳	۳۶۴/۱۶۰/۶۷۵	۴۵۳/۶۲۵	مصر
۳/۳۳۵/۲۰۶/۹۰۴	۲۵/۲۳۶/۷۱۹	۲۱/۲۶۰/۱۵۰	۱/۱۷۹/۵۳۳/۲۸۵	۴۰۰/۸۵۳/۷۹۶	۱۷۵/۶۷۱	

۳/۶۷۵/۵۹۳/۵۳۵	۲۴/۳۷۱/۶۲۲	۸/۱۶۱/۸۲۸	۱/۱۶۳/۰۳۰/۶۹۸	۴۹۴/۸۴۲/۳۵۴	۷/۲۷۵/۱۵۹	
۱/۱۱۲/۲۵۷	۷/۰۲۹/۹۸۴	۲۴/۲۲۰	۱۶/۳۹۷/۲۳۱	۶/۴۲۴/۷۲۶	۲/۴۸۵/۱۸۷	آذربایجان
۶۱۰/۰۷۶	۱/۲۳۸/۷۰۳	۲۸۳/۴۱۲	۱۸/۱۷۰/۲۹۱	۱۰/۳۵۱/۷۷۲	۲/۹۹۵/۷۴۲	
۹۰۸/۷۹۶	۳/۲۵۵/۷۲۱	۷۱۹/۷۰۱	۱۱/۹۵۷/۸۳۶	۱۴/۴۸۰/۸۶۳	۴/۱۲۸/۰۸۲	
۴۰/۱۶۴/۵۴۰	۱۵/۳۰۴/۷۵۸	۵۱/۱۸۲/۸۶۶	۵۳۰/۶۴۸/۷۱۷	۲۴/۹۲۴/۸۷۹	۳۲۹/۵۸۶/۷۸۸	الجزایر
-	-	-	-	-	-	
-	-	-	-	-	-	
۲/۲۷۴/۵۷۶	۳۱۹/۹۹۱/۶۱۲	۸۴۱/۶۷۴/۸۸۲	۳/۱۶۷/۰۲۲/۱۸۵	۲۴۱/۱۰۹/۵۷۵	۳۲/۷۷۳/۵۳۰	اندونزی
۶/۳۷۱/۳۷۱	۲۶۶/۶۱۷/۳۵۱	۱/۴۱۱/۲۷۵/۴۹۸	۴/۹۱۰/۷۲۸/۱۳۷	۶۴۱/۴۲۲/۹۸۲	۲۹/۱۸۲/۹۳۰	
۲/۷۹۴/۴۹۶	۳۰۸/۲۸۲/۵۶۶	۹۴۷/۲۸۶/۶۲۵۸	۳/۵۶۷/۷۲۵/۰۴۸	۳۷۷/۹۵۹/۰۴۶	۲۷/۴۸۰/۹۳۴	
۳۸/۱۳۷/۷۲۷	۲۷/۴۹۲/۲۰۵	۲۳/۶۵۵/۵۱۹	۱/۳۹۶/۵۰۷	۳۹۲/۸۲۵/۴۵۷	۵/۳۰۰/۰۸۴	ایران
۱۲/۵۳۶/۹۵۴	۱۲/۱۶۹/۷۷۴	۹/۴۹۰/۵۳۷	۲۵۱/۳۳۴	۳۳۰/۲۳۷/۴۱۹	۱/۹۶۲/۸۶۶	
-	-	-	-	-	-	
۴۶/۱۲۵	۲۹۲/۶۱۰	۲/۶۴۰/۹۷۳	۳/۰۰۷/۹۳۲	۹/۱۱۲/۷۴۱	۲/۹۲۳/۴۶۵	بوسنی و هرزگوین
۲۱/۰۹۳	۶۱۴/۳۶۹	۵/۳۷۱/۶۷۳	۴/۱۹۷/۰۴۷	۱۰/۲۶۴/۵۶۵	۳/۰۱۰/۶۰۸	
۳۶/۷۰۸	۷۲۶/۸۱۰	۲/۸۶۲/۳۶۷	۲/۶۳۸/۶۰۰	۱۱/۳۰۰/۸۶۲	۳/۸۷۵/۹۰۹	
۲۰۶/۴۶۵/۸۹۸	۳۲۳/۱۱۶/۵۹۹	۲/۱۱۰/۱۶۰/۱۶۰	۲۶۴/۱۲۶/۴۸۳	۱۶۹/۴۰۲/۸۴۲	۱۳۱/۲۰۵/۴۸۴	ترکیه
۱۸۲/۰۷۹/۷۹۹	۳۳۰/۷۰۱/۷۵۶	۲/۳۱۸/۴۱۰/۵۲۶	۳۳۵/۳۱۹/۸۷۲	۱۴۴/۳۷۲/۱۹۴	۱۶۹/۵۵۵/۸۴۶	
۱۹۰/۱۱۳/۱۶۳	۳۰۶/۲۶۴/۷۰۰	۲/۰۰۵/۲۱۶/۷۹۶	۳۱۰/۶۶۸/۳۹۰	۱۴۶/۸۰۵/۲۲۴	۶۴/۲۳۹/۰۵۲	
-	۲۸/۹۷۴/۰۳۰	۲۲۴/۲۰۱/۴۴۱	۲۲/۴۰۸/۰۱۸	۱۶/۸۷۶/۷۴۰	۱۲/۴۳۹/۷۲۰	تونس
-	۳۱/۲۲۵/۶۲۲	۲۳۶/۷۵۳/۵۸۹	۲۲/۷۴۹/۱۵۱	۱۶/۰۳۹/۶۲۷	۹/۸۹۸/۳۵۸	
-	۲۹/۰۸۲/۲۵۳	۲۸۰/۷۸۴/۴۰۱	۲۱/۸۴۹/۲۷۳	۱۸/۲۶۱/۳۳۴	۹/۹۰۰/۲۴۰	
۵/۹۴۴/۸۶۶	-	۲/۷۳۰/۳۷۱/۳۰۴	۱/۶۰۸/۳۰۴/۶۲۷	۱/۴۶۸/۱۲۴/۹۰۸	۳/۴۹۶/۱۰۱	پاکستان
۵/۳۱۴/۵۶۴	-	۳/۲۴۲/۳۴۹/۳۹۹	۲/۳۸۶/۱۸۲/۵۹۲	۱/۴۰۷/۷۲۰/۵۹۴	۶/۳۳۸/۲۸۳	
۲/۲۴۵/۰۵۳	-	۲/۴۳۶/۳۱۳/۷۸۶	۲/۱۸۷/۸۳۰/۱۹۸	۱/۴۵۳/۵۳۴/۴۹۱	۳/۱۱۵/۲۱۷	
۴۳/۸۳۳/۹۶۴	۴۳۲/۹۰۰/۲۶۰	-	۱۸۰/۵۳۵/۵۰۵	۴۳۹/۵۶۷/۲۰۱	۴۱۵/۰۸۳/۵۶۵	عربستان
۷۰/۰۳۹/۵۶۹	۴۰۷/۶۵۳/۷۴۴	-	۲/۶۰۶	۴۱۷/۴۵۸/۳۵۰	۲۸۵/۸۳۳/۲۶۱	
۷۱/۶۲۲/۷۸۴	۴۹۸/۸۶۹/۶۹۴	-	۸/۳۹۵	۵۱۸/۷۰۵/۶۶۳	۲۸۸/۷۱۶/۸۰۷	
۲۸/۳۱۸/۵۵۴	۸۵/۲۸۳/۱۲۸	۶۱۳/۲۳۶/۸۶۷	-	۲۵۴/۸۰۹/۹۷۲	۱۲۱/۸۴۵/۶۸۲	قطر
۲۳/۳۱۳/۹۹۶	۱۱۹/۳۰۵/۰۲۵	۱۳/۷۳۲/۵۵۳	-	۳۱۶/۴۴۷/۴۲۷	۱۵۵/۸۱۸/۰۶۳	
۲۸/۹۲۱/۷۰۹	۱۳۲/۰۴۹/۰۹۸	۵۲/۵۲۵	-	۲۸۲/۹۱۵/۲۸۷	۱۴۵/۹۶۳/۴۷۳	
۲۵/۸۷۸/۶۴۳	۱۶۶/۷۷۶/۰۹۴	۱/۸۳۶/۳۴۳/۱۲۷	۵۱/۹۶۱/۶۷۵	-	۱۵۹/۰۳۴/۹۲۶	کویت

۲۶/۷۵۵/۲۱۶	۱۷۲/۶۹۰/۵۳۴	۲/۰۴۲/۱۰۳/۸۷۲	۵۰/۸۱۸/۷۶۱	-	۱۹۳/۱۴۱/۱۹۲	
۲۳/۶۸۱/۹۳۵	۱۸۳/۲۱۴/۱۱۷	۲/۰۷۵/۵۰۴/۹۷۶	۶۱/۲۱۵/۶۰۵	-	۲۴۱/۶۶۱/۹۷۰	
۵۱/۹۷۵/۹۵۹	۱۹/۴۷۰/۲۲۴	۳۸۳/۴۵۱/۰۷۸	۱۵/۲۸۲/۱۶۷	۳۳۶/۵۷۱/۲۲۸	-	لبنان
۲۶/۹۷۳/۴۶۹	۱۹/۵۳۱/۱۵۴	۵۰۲/۶۱۲/۹۲۳	۳۸۳/۴۵۱/۰۶۷	۲۷۰/۲۱۸/۵۷۸	-	
-	-	-	-	-	-	
۳۰/۶۸۱/۱۶۹	۱۶۷/۵۵۸/۳۶۵	۲/۴۸۸/۷۳۲/۸۱۶	۴۹۲/۵۶۸/۶۵۸	۲۶۱/۲۷۷/۲۸۵	۶/۳۶۵/۲۱۵	مالزی
۲۵/۷۹۷/۹۸۸	۱۸۷/۵۸۴/۶۸۷	۴/۴۳۳/۲۳۲/۲۹۹	۶۷۶/۳۵۴/۲۰۲	۴۷۷/۵۷۸/۱۰۳	۵/۷۶۷/۷۷۹	
۲۴/۴۸۷/۱۹۶	۲۵۷/۲۷۵/۲۹۰	۴/۵۴۲/۳۴۶/۴۷۷	۴۳۴/۱۲۸/۷۷۳	۱۹۸/۸۴۳/۹۲۷	۳/۴۰۸/۴۹۵	
۸۸/۶۲۳/۳۵۳	۱/۳۹۸/۵۲۷/۹۵۰	۱/۳۷۱/۵۱۴/۶۴۸	۴/۱۴۹/۶۸۷/۷۷۷	۸۱/۸۰۹/۷۱۵	۵۳/۴۴۶/۰۴۳	مصر
۱۱۸/۲۹۶/۷۳۱	۲/۳۱۷/۷۹۴/۸۰۸	۴۹۴/۳۲۹/۲۰۵	۵/۷۰۰/۴۹۲/۹۹۷	۱۰۱/۵۹۴/۶۶۲	۱۴۰/۶۶۱/۸۷۴	
۱۱۵/۳۴۷/۵۹۷	۲/۱۵۶/۰۳۰/۷۷۲	۲۳/۶۹۰/۶۵۶	۵/۲۱۴/۰۸۶/۱۳۷	۱۱۲/۷۳۰/۲۲۳	۱۰۶/۴۹۵/۳۳۲	

UN Comtrade Database (2022)

جدول ۳) میزان واردات کالای کشورهای منتخب اسلامی از سه کشور چین، روسیه و آلمان در سال‌های ۲۰۱۷.

۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ (دلار)

۴۷

کشور	چین	روسیه	آلمان
آذربایجان	۸۵۴/۵۱۹/۱۴۱	۱/۵۵۲/۷۳۵/۴۴۴	۴۴۱/۷۴۷/۴۰۹
	۱/۱۹۶/۶۴۹/۳۷۷	۱/۸۸۴/۲۴۵/۳۱۷	۶۵۸/۶۳۹/۵۲۸
	۱/۴۳۲/۰۳۱/۳۶۷	۲/۲۸۷/۱۷۱/۷۴۴	۷۰۸/۷۲۵/۸۹۵
الجزایر	۸/۳۱۷/۸۴۳/۹۰۴	۱/۲۲۰/۰۶۴۲/۶۷۶	۳/۲۲۳/۲۵۴/۹۵۸
	-	-	-
	-	-	-
اندونزی	۳۵/۷۶۷/۲۰۲/۵۱۸	۱/۳۰۲/۷۱۴/۷۵۰	۳/۵۳۸/۳۶۱/۴۹۶
	۴۵/۵۳۷/۸۱۴/۹۰۸	۱/۵۵۱/۱۱۷/۷۸۹	۳/۹۷۲/۹۶۶/۵۳۳
	۴۴/۹۳۰/۵۹۸/۵۷۵	۱/۲۰۴/۴۵۹/۳۴۱	۳/۴۷۶/۵۳۵/۲۰۴
ایران	۱۳/۱۱۵/۱۳۹/۶۴۷	۷۰۴/۴۳۰/۲۲۲	۳/۰۷۲/۰۶۹/۳۶۰
	۱۰/۲۴۸/۵۶۲/۳۸۲	۱/۳۴۲/۶۵۴/۰۷۵	۲/۴۵۱/۷۶۶/۰۳۲
	-	-	-
بوسنی و هرزگوین	۶۸۳/۱۸۱/۸۹۶	۵۲۲/۶۱۶/۸۷۳	۱/۲۱۱/۷۷۲/۱۵۱
	۸۰۸/۰۸۳/۹۹۲	۵۴۳/۰۱۹/۶۴۳	۱/۳۸۶/۴۸۸/۱۹۸

۱/۳۳۷/۸۶۶/۸۲۶	۲۵۹/۰۰۱/۴۶۶	۸۲۹/۵۵۵/۲۴۸	
۲۱/۳۰۱/۸۶۹/۳۰۱	۱۹/۵۱۴/۰۹۳/۹۵۴	۲۳/۳۷۰/۶۱۹/۵۶۴	ترکیه
۲۰/۴۰۷/۱۶۲/۳۲۷	۲۱/۹۸۹/۵۷۱/۱۰۳	۲۰/۷۱۹/۰۶۹/۵۰۹	
۱۹/۲۷۸/۸۲۵/۹۳۹	۲۳/۱۱۵/۲۳۶/۲۲۶	۱۹/۱۲۷/۹۹۷/۱۰۴	
۱/۵۶۵/۸۲۲/۴۹۹	۴۷۹/۰۹۱/۱۲۳	۱/۸۵۰/۷۱۱/۷۷۹	تونس
۱/۷۳۰/۶۵۱/۴۷۸	۵۳۸/۹۹۱/۸۱۹	۲/۱۵۹/۲۹۰/۶۲۰	
۱/۴۵۹/۹۵۹/۳۳۸	۴۹۹/۵۹۷/۵۷۰	۲/۰۴۱/۶۶۲/۲۴	
۱/۱۱۱/۴۸۷/۵۸۲	۳۱۰/۹۳۸/۲۴۸	۱۵/۳۸۳/۳۹۷/۸۰۳	پاکستان
۱/۲۹۸/۹۳۹/۰۵۶	۳۷۵/۰۵۵/۲۳۳	۱۴/۵۴۴/۶۸۶/۷۵۲	
۹۲۸/۷۰۰/۳۹۸	۲۲۲/۹۰۹/۹۹۷	۱۲/۴۰۶/۳۹۷/۰۲۷	
۷/۸۶۵/۸۵۴/۶۲۱	۹۹۸/۸۲۶/۱۶۲	۲۰/۵۲۵/۷۱۸/۴۵۸	عربستان
۷/۲۹۲/۱۸۱/۷۹۹	۱/۲۲۰/۵۶۸/۳۰۱	۲۲/۲۴۳/۷۱۴/۷۹۴	
۷/۰۰۳/۸۱۲/۶۷۴	۱/۴۴۳/۱۶۱/۰۳۰	۲۷/۰۶۶/۶۲۰/۰۷۹	
۲/۰۷۵/۶۰۵/۸۱۹	۶۹/۵۹۵/۹۶۶	۳/۳۹۵/۸۴۵/۲۶۱	قطر
۱/۹۰۹/۰۱۰/۹۴۶	۲۸۰/۸۷۳/۸۷۰	۳/۸۵۱/۰۵۶/۷۹۶	
۲/۰۸۳/۸۹۹/۸۶۳	۱۸۹/۵۵۴/۰۰۱	۳/۴۸۵/۳۷۲/۵۱۶	
۱/۹۹۲/۹۶۸/۶۴۹	۱۴۴/۷۷۸/۰۹۶	۵/۵۰۴/۱۳۹/۴۳۶	کویت
۲/۰۴۴/۹۰۴/۴۱۷	۲۲۹/۸۵۴/۵۵۲	۵/۹۷۸/۹۳۴/۰۹۶	
۱/۷۵۰/۸۴۹/۵۵۶	۱۴۷/۹۴۶/۶۱۹	۵/۹۸۸/۳۸۰/۲۴۵	
۱/۲۲۹/۲۰۳/۳۳۴	۷۴۶/۵۲۱/۷۶۲	۱/۸۷۹/۷۳۳/۹۴۹	لبنان
۱/۱۶۸/۹۷۵/۷۶۳	۵۶۷/۵۵۹/۱۱۸	۲/۰۴۸/۷۷۷/۹۲۴	
-	-	-	
۶/۱۱۷/۹۱۴/۲۸۸	۸۲۷/۵۷۶/۴۱۳	۳۸/۲۷۹/۳۰۷/۲۶۳	مالزی
۶/۵۳۲/۲۷۴/۰۷۸	۱/۱۵۶/۵۳۴/۰۱۸	۴۳/۳۱۵/۸۶۰/۱۷۲	
۶/۴۵۵/۳۸۱/۱۹۷	۱/۰۷۹/۳۱۵/۷۰۰	۴۲/۳۶۴/۵۶۹/۱۵۷	
۴/۵۳۰/۹۶۰/۱۳۳	۳/۶۳۱/۴۱۱/۳۲۱	۸/۱۱۲/۴۲۴/۴۷۴	مصر
۴/۲۰۸/۰۵۱/۸۴۸	۵/۰۳۰/۱۸۵/۷۴۲	۱۱/۶۶۵/۳۶۸/۹۰۶	
۴/۳۳۸/۸۶۰/۰۸۴	۳/۶۲۱/۱۷۸/۲۶۷	۱۲/۰۴۰/۸۷۰/۵۲۸	

همانگونه که از مقایسه سهم واردات کشورها می‌توان دریافت، میانگین حجم واردات کشورهای مسلمان از یکدیگر، به مراتب کمتر از واردات کالا از هریک از سه کشور چین، روسیه و آلمان است. یکی از دلایل پیدایش چنین وضعیتی را می‌توان مرتبط به توان تکنولوژیکی^۱ و میزان صنعتی شدن کشورهای مذکور دانست که این ضعف می‌تواند از طریق توسعه صنعتی و تکنولوژیکی کشورهای اسلامی برطرف و به همگرایی اقتصادی در جهان اسلام کمک کند.

بطور جزئی‌تر می‌توان سهم واردات این کشورها را با احتساب سهم صادرات کالاهای وابسته به تکنولوژی پیشرفته، نسبت به کل صادرات تولیدی این کشورها، برای نشان دادن دورنمای سطح توسعه اقتصادی کشورهای اسلامی را مطابق جدول شماره (۴) بررسی نمود.

جدول (۴) نسبت صادرات صنایع تکنولوژی پیشرفته برخی از کشورهای منتخب اسلامی به کل صادرات تولیدی

کشور/ سال	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹
آذربایجان	۱۳،۷۷	۸،۶۳	۴،۴۶	۲،۸۵	۳،۲۰	۴،۳۴	۴،۹۵
الجزایر	۰،۵۶	۰،۳۲	۰،۲۳	۰،۴۸	۰،۹۶	-	-
اندونزی	۹،۶۰	۹،۳۰	۸،۹۰	۸،۰	۸،۴۵	۸،۲۲	۷،۶۱
ایران	۱،۶۰	۱،۵۹	۱،۶۰	۱،۳۹	۱،۳۶	۰،۸۲	-
بوسنی	۲،۴۰	۲،۴۹	۲،۹۸	۲،۷۳	۵،۴۴	۵،۲۵	۵،۲۷
ترکیه	۲،۲۹	۲،۳۳	۲،۵۸	۲،۵۱	۲،۹۰	۲،۳۳	۳،۰۴
تونس	۶،۴۵	۶،۶۷	۷،۳۷۸	۷،۹۳	۷،۳۸	۶،۷۹	۶،۸۸
پاکستان	۱،۹۲	۱،۴۴	۱،۶۱	۱،۹۵	۲،۱۸	۲،۲۰	۲،۳۲
عربستان	۰،۷۱	۰،۵۹	۰،۷۸	۱،۳۰	۰،۷۳	۰،۶۱	۰،۶۴
قطر	۰،۰۰	۰،۰۴	۵،۱۹	۰،۰۰	۰،۰۰	۱،۷۹	۰،۰۰
کویت	۱،۶۵	۰،۱۳	۰،۱۳	۰،۱۴	۰،۲۰	۴،۱۱	۰،۹۰
لبنان	۲،۷۰	۲،۵۲	۲،۱۸	۲،۸۲	۷،۶۰	۲،۳۵	-
مالزی	۴۸،۴۷	۴۹،۲۲	۴۸،۴۸	۴۹،۰۷	۵۱،۱۳	۵۳،۲۷	۵۱،۸۴
مصر	۰،۵۳	۱،۲۵	۰،۷۹	۰،۵۰	۰،۵۶	۰،۸۶	۲،۳۴
نیجر	۵۷،۶۸	۶۰،۲۹	۱۵،۸۶	۲،۹۷	۸۰،۰۸	۲،۹۶	-

World Bank, 2022: High-Technology Exports (Percent of Manufactured Exports)

^۱ Technological

در جدول شماره (۴) مشاهده می‌شود که در بین کشورهای اسلامی تنها مالزی و تا حدودی اندونزی، ساختار اقتصادی پیشرفته‌ای نسبت به دیگر کشورها دارند. بنابراین با مقایسه اطلاعات دو جدول فوق، می‌توان گفت هرچند تمام کشورهای فوق‌الذکر جزء کشورهای جهان سوم می‌باشند، اما می‌توان آنها را در چهار سطح طبقه‌بندی نمود: اول، کشورهایی با درآمد بالا که دارای ساختار اقتصادی پیشرفته صنعتی هستند نظیر مالزی و اندونزی. دوم، کشورهایی با درآمد بالای ملی که دارای ساختار اقتصادی غیرپیشرفته هستند نظیر عربستان و قطر. سوم، کشورهایی با درآمد متوسط که دارای ساختار اقتصادی غیرپیشرفته می‌باشند نظیر ایران و ترکیه و چهارم، کشورهایی با درآمد پایین که دارای ساختار اقتصادی ضعیف غیرپیشرفته می‌باشند نظیر پاکستان و نیجر. بنابراین اگر از منظر مدل نای به موضوع همگرایی نگریسته شود، کشورهایی مانند مالزی و اندونزی در آسه‌آن توانسته‌اند با موفقیت همگرا شوند و کشورهای عرب نفت‌خیز حاشیه خلیج فارس نیز تلاش می‌نمایند در اتحادیه عرب یا شورای همکاری کشورهای عرب خلیج فارس با یکدیگر همگرا شوند. هرچند می‌توان براساس این مدل، عدم همگرایی جهان اسلام را با ارجاع به این واگرایی اقتصادی تفسیر نمود، اما در توضیح اینکه چرا سایر کشورهای هم‌سطح اقتصادی این منطقه باهم همگرا نمی‌شوند، به نظر می‌رسد می‌توان از مدل همگرایی کانتوری و اشیپگل بهره برد.

در بخش قبل بیان شد که یکی از پیامدهای نگرش ژئواکونومیک به منطقه‌گرایی، تعریف منطقه در قالب کارکردهای آن درون نظم اقتصاد جهانی است. از این منظر، تعریف جایگاه مرکز، پیرامون و شبه پیرامون، اصل اساسی در همگرایی جهان اسلام می‌باشد. بر این اساس، جایگاه کشورها با توجه به سطوح اقتصادی خود مشخص است. با این وجود، از آنجاکه مرکز، جایگاه تعیین کننده به لحاظ رابطه منطقه با نظام بین‌الملل دارد، دیدگاه‌های متفاوت کشورهای اسلامی به نظام بین‌الملل، عامل دیگری است که در همگرایی جهان اسلام، باعث ایجاد شکاف شده است.

به لحاظ جهت‌گیری نسبت به نظام بین‌الملل، جهان اسلام متشکل از دو دسته از کشورها می‌باشد. دسته اول، کشورهایی مانند ایران هستند که نظم موجود جهانی را به چالش می‌کشند؛ چنانکه تغییر یا اصلاح نظم و وضع بین‌المللی موجود، از ارزش‌های تشکیل‌دهنده منافع معطوف به نظم جهانی ایران است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۲: ۱۴۳). یکی از جنبه‌های مهم دیدگاه امام خمینی در سیاست خارجی و امور داخلی مسلمین، ایجاد یک نظام متحد اسلامی و دعوت مسلمین به این کار بود. از این جهت، گفته می‌شود جمهوری اسلامی با نقش محوری خود در جهان اسلام، داعیه منزلتی همچون توانمندسازی دوباره امت اسلامی و ام‌القری مسلمانان را دارد. آنچه مشخص است هدف از محوریت ایران بعنوان ام‌القری جهان اسلام، ناظر بر فراخوان تحول نظام بین‌الملل و نوسازی مناسبات جهانی قدرت است (ازغندی، ۱۳۸۹: ۵۶-۵۵). این در حالی

است که مطابق داده‌های جداول فوق، ایران نتوانسته به آن سطح از توسعه اقتصادی و پیشرفت لازم تکنولوژی بومی دست یابد که بتواند بعنوان الگویی برای رشد اقتصادی درون‌زا در جهان اسلام مطرح شود. در مقابل، عده کثیری از کشورها از جمله مالزی با پذیرش جایگاه خود در نظام بین‌الملل موجود، به سطوح بالای توسعه رسیده‌اند. به همین خاطر، تمایلی به چالش کشیدن نظم موجود نظام بین‌الملل ندارند. چنانکه ماهاتیر محمد، رئیس‌جمهور مالزی در مورد تحریم‌های غرب علیه ایران عنوان کرده بود که «آمریکا از قدرت اقتصادی و نظامی خود استفاده می‌کند تا کشورهای دیگر را وادار به مشارکت در این تحریم‌ها کند، مالزی نیز از جمله این کشورها است و ما چاره‌ای جزء پیروی از این تحریم‌ها نداریم» (محمد، ۱۳۹۸: ۱). از آنجا که توسعه صنعتی مالزی و کشورهای نظیر آن، وابسته به تکنولوژی خارجی است، مخالفت با نظم جهانی بدون هرگونه پشتوانه منطقه‌ای بواسطه سطح پایین پیشرفت تکنولوژیکی کشورهای جهان اسلام، به ضرر این کشورها تمام خواهد شد. بنابراین به نظر می‌رسد مالزی بدون وجود یک پشتوانه قوی در بلوک اسلامی، حاضر به پذیرش ریسک اقتصادی حاصل از مخالفت با نظم جهانی نباشد.

برای کشورهای هم‌سطح نیز تقریباً چنین وضعیتی حاکم است. برای مثال اگر به چند کشور مطرح مسلمان توجه شود، مطابق داده‌های جداول شماره (۵) و (۶)، صادرات و واردات کالاهای تکنولوژیک ارتباطی و اطلاعاتی (ICT) نظیر کامپیوتر، رادیو، تلویزیون و ... نشان می‌دهد که کشورهای منتخب نمی‌توانند نیازهای

یکدیگر را تأمین نمایند.

جدول ۵) واردات کالاهای ICT نسبت به کل کالاهای وارداتی کشورهای منتخب اسلامی

کشور/ سال	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹
آذربایجان	۲,۴۱	۲,۹۶	۲,۸۴	۲,۷۴	۳,۷۴	۴,۵۷	۳,۹۴
الجزایر	۴,۱۵	۵,۰۷	۵,۳۸	۵,۱۸	۴,۵۶	-	-
اندونزی	۷,۰۹	۶,۹۹	۷,۶۳	۷,۹۶	۷,۹۷	۷,۹۰	۷,۹۷
ایران	۶,۶۶	۷,۰۲	۶,۱۳	۶,۲۵	۶,۳۷	۴,۹۱	-
بوسنی	۲,۸۰	۲,۹۳	۳,۰۱	۲,۹۵	۲,۶۲	۲,۶۳	۲,۸۲
پاکستان	۳,۷۸	۴,۵۸	۴,۹۰	۴,۹۴	۴,۶۸	۳,۹۲	۴,۷۵
ترکیه	۴,۵۷	۵,۰۸	۵,۶۷	۶,۷۳	۶,۱۷	۴,۱۷	۴,۰۵
تونس	۴,۹۶	۴,۷۲	۵,۵۹	۶,۲۱	۵,۳۴	۵,۲۶	۵,۴۷
عربستان	۷,۴۲	۷,۴۴	۷,۴۷	۶,۴۸	۷,۶۹	۷,۵۱	۷,۹۵
قطر	۵,۵۶	۵,۵۷	۵,۷۶	۵,۴۴	۵,۴۰	۴,۹۹	۵,۶۲

۷,۳۸	۷,۱۶	۸,۱۱	۶,۵۳	۸,۲۳	۷,۲۰	۶,۸۴	کویت
-	۳,۰۶	۲,۳۳	۲,۲۹	۲,۵۲	۲,۵۲	۳,۱۳	لبنان
۲۴,۱۴	۲۵,۰۵	۲۵,۲۱	۲۴,۶۹	۲۴,۰۱	۲۳,۰۸	۲۲,۶۲	مالزی
۵,۶۴	۵,۰۶	۴,۰۱	۴,۲۱	۴,۴۷	۴,۲۲	۳,۵۵	مصر
-	۲,۶۶	۳,۴۰	۴,۲۰	۳,۶۹	۲,۸۶	۲,۶۶	نیجر

World Bank, 2022: ICT Goods Imports (Percent of Total Goods Imports)

جدول ۶) صادرات کالاهای ICT نسبت به کل کالاهای صادراتی کشورهای منتخب اسلامی

کشور/ سال	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸	۲۰۱۹
آذربایجان	۰,۰۳	۰,۰۰	۰,۰۱	۰,۲۲	۰,۰۱	۰,۰۲	۰,۰۲
الجزایر	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۲	۰,۰۲	-	-
اندونزی	۳,۶۱	۳,۴۷	۳,۵۲	۳,۳۶	۲,۹۸	۲,۸۸	۲,۷۷
ایران	۰,۰۲	۰,۰۴	۰,۰۶	۰,۰۱	۰,۰۱	۰,۰۱	-
بوسنی	۰,۱۷	۰,۱۶	۰,۲۵	۰,۱۷	۰,۱۵	۰,۱۷	۰,۱۹
پاکستان	۰,۲۳	۰,۱۹	۰,۲۴	۰,۳۰	۰,۱۹	۰,۱۵	۰,۰۷
تونس	۵,۸۴	۵,۷۵	۵,۴۱	۶,۳۳	۶,۰۰	۴,۱۶	۴,۲۴
ترکیه	۱,۴۵	۱,۵۲	۱,۴۶	۱,۳۴	۱,۲۵	۱,۱۷	۱,۱۴
عربستان	۰,۲۱	۰,۱۱	۰,۱۶	۰,۲۲	۰,۱۴	۰,۰۹	۰,۰۰
قطر	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰	۰,۰۰
کویت	۰,۰۵	۰,۰۶	۰,۱۵	۰,۱۳	۰,۲۵	۰,۲۰	۰,۱۳
لبنان	۰,۸۶	۱,۰۳	۰,۸۱	۰,۸۳	۰,۹۰	۰,۶۸	-
مالزی	۲۸,۲۱	۲۸,۷۳	۳۰,۰۴	۳۰,۵۳	۳۱,۰۱	۳۳,۱۳	۳۲,۵۰
مصر	۰,۴۲	۲,۸۳	۳,۶۹	۲,۸۲	۲,۹۳	۲,۴۰	۲,۸۶
نیجر	۰,۴۴	۰,۴۰	۰,۲۵	۰,۱۲	۰,۰۸	۰,۰۸	-

World Bank, 2022: ICT Goods Exports (Percent of Total Goods Exports)

چنین وضعیتی را اگر با مناطقی نظیر آسه‌آن و اتحادیه اروپا مقایسه کنیم که در آن صادرات محصولات ICT معمولاً بالای ۱۰ درصد است، نشان می‌دهد سطح لازم رشد اقتصادی برای شکل‌گیری فرآیند خودکار همگرایی فراهم نشده است. در اینجا لازم است به چند نکته اشاره شود: اولاً سایر کشورهای هم‌سطح در جهان اسلام نیز وضعی مشابه دارند و ثانیاً، وضعیت در دیگر زمینه‌ها همچون واردات و صادرات اقلام مختلف

میان کشورهای اسلامی نیز چندان تفاوتی با صادرات و واردات کالاهای تکنولوژیک ارتباطی و اطلاعاتی ندارد، به همین دلیل به ارقام ICT بسنده شده است.

جهت درک بهتر به بررسی رابطه دو کشور ایران و ترکیه بعنوان دو الگو در جهان اسلام می‌پردازیم. باتوجه به جداول فوق، آشکار است که این دو کشور بازار خوبی برای ورود کالاهای تولیدی کشورهای پیشرفته هستند. هرچند این دو کشور می‌توانند بعنوان بازار مبادله متقابل محصولات خود، در مقابل کشورهای تولیدکننده باهم متحد شوند؛ اما جهت‌گیری متفاوت آنان نسبت به ارزش‌ها و نظام بین‌الملل، مانع همگرایی این دو کشور می‌شود (هارتمن، ۱۳۹۴: ۲۰۰). بعنوان مثال، همکاری نزدیک ترکیه با دو کشور اسرائیل و آمریکا، برای تأمین نیازهایی است که ایران توان برآورده ساختن آن را ندارد و همگرایی با ایران به معنی چشم‌پوشی ترکیه از منافع حاصل از همکاری با دو کشور مذکور است که طبیعتاً همگرایی دو کشور ایران و ترکیه و به تبع آن، متحدان هر دو کشور را با مشکل روبرو می‌سازد. بنابراین این کشورها نه به لحاظ مدل‌های، توان همگرایی خودکار را دارند و نه از منظر مدل اشپیگل و کانتوری در جایگاه کشور مرکز پذیرفته می‌شوند. همچنین وضعیت اقتصادی کشورهای با درآمد بالا همچون کشورهای نفت‌خیز عرب حاشیه خلیج فارس و کشورهای همچون مالزی و اندونزی نیز امکان همگرایی این کشورها را با مشکل مواجه می‌کند. از یک طرف اگرچه کشورهای عربی می‌توانند در مالزی و اندونزی سرمایه‌گذاری نمایند و از طرف دیگر، دو کشور اخیر، بازار خوبی برای محصولات خود در کشورهای عربی پیدا نمایند؛ اما وسعت کوچک اقتصاد مالزی و اندونزی از یک سو کفاف بازار گسترده عربی را نمی‌دهد و از سوی دیگر، سود حاصل از سرمایه‌گذاری کشورهای عربی در دو کشور موردنظر در مقایسه با بازارهای مالی غرب، انتظارات سرمایه‌گذاران عربی را برآورده نمی‌سازد. بنابراین، در بلندمدت و بدون وجود روحیه ریسک‌پذیری، این کشورها با یکدیگر همگرا نخواهند شد.

نتیجه‌گیری

هدف این مقاله، بررسی تأثیر وضعیت اقتصادی کشورهای اسلامی بر همگرایی جهان اسلام بود. همانگونه که بیان شد یکی از مناطق مستعد همگرایی، جهان اسلام است که از امکانات متنوع طبیعی، انسانی، جغرافیایی، فرهنگی و دینی برخوردار بوده و از زمان شکل‌گیری نظام دولت - ملت، طرح‌های مختلفی نیز برای همگرایی جهان اسلام پیشنهاد شده که برخی از آنها عملی شده و برخی در حد ایده باقی مانده است. فرایند همگرایی جهان اسلام نیز به‌سان همه همگرایی‌ها، متأثر از عناصر شتاب‌بخش، انواع گسست و عوامل محیطی است که

عوامل اقتصادی جزء عوامل اولیه آن است. یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر این است که علیرغم تمام پتانسیل - های کشورهای اسلامی در این زمینه، واقعیت جهان اسلام حکایت از همگرایی آن ندارد و واگرایی اقتصادی کشورهای اسلامی، یکی از موانع تحقق همگرایی جهان اسلام بوده است. در بررسی تأثیر اقتصاد بر همگرایی جهان اسلام، وضعیت اقتصادی کشورهای اسلامی در ابعاد گوناگون از جمله منابع و سطح توسعه اقتصادی، ساختار اقتصادی و میزان مکمل بودن اقتصاد آنها با یکدیگر مورد بررسی قرار گرفت و عنوان شد که هرچند مزیت‌های اقتصادی مجموعه کشورهای اسلامی، از جمله ذخایر عمده انرژی، مسیرهای مهم تبادل انرژی، کالا و خدمات و بازارهای بزرگ زمینه مناسبی برای تقویت بنیان اقتصادی کشورهای اسلامی محسوب می‌شود که به نوبه خود می‌تواند بستری مناسب برای همگرایی جهان اسلام فراهم آورد؛ اما ساختارها و سطوح توسعه اقتصادی متفاوت، سطح پایین توسعه اقتصادی اکثر کشورهای این منطقه و همچنین جهت‌گیری‌های متفاوت کشورهای اسلامی نسبت به نظام بین‌الملل، مانع عمده همگرایی این کشورها بوده است. در جهان اسلام کشورهایی با چهار سطح توسعه وجود دارند: یکی کشورهایی با سطح توسعه بالا و اقتصادی پیشرفته نظیر مالزی و اندونزی؛ کشورهایی با درآمد ملی بالا اما اقتصادی توسعه‌نیافته نظیر عربستان و قطر؛ کشورهایی با سطح درآمدی متوسط و اقتصادی توسعه‌نیافته نظیر ایران و ترکیه و در آخر کشورهایی با سطح درآمد و توسعه پائین همچون نیجر و پاکستان که این ناهمگونی توسعه‌ای و اقتصادی یکی از موانع اصلی عدم همگرا شدن جهان اسلام بوده است. بنابراین به دلیل این ناهمگونی توسعه‌ای و اقتصادی، دستیابی به همگرایی یا مستلزم آن است که فائل به وجود کشورهای مرکزی باشیم که به مثابه هسته همگرایی، با پذیرفته شدن از سوی سایر کشورها، شرایط لازم جهت همگرایی را فراهم آورد و یا در سطوح مختلف توسعه با هم همگرا شده و در طول زمان با رسیدن به سطح توسعه لازم، همگرایی جهان اسلام محقق گردد. از طرف دیگر، از آنجائیکه توسعه در بستر نظام بین‌الملل رخ می‌دهد و جهان اسلام متشکل از کشورهایی است نظیر ایران که نظم بین‌المللی موجود را به چالش می‌کشند و کشورهایی مانند مالزی که با پذیرش نظم بین‌المللی موجود به توسعه دست یافته‌اند، لذا کشورهای دسته اول احتمالاً حاضر نیستند به همگرایی دست بزنند که مرکز آن، کشورهایی مخالف با عقاید آنها باشد و از سویی دیگر، کشورهای توسعه یافته اسلامی نیز وارد چنین همگرایی نخواهند شد که فرآیند توسعه آنها را به خطر اندازد. بنابراین با توجه به اینکه استمرار روند حاضر در جهان اسلام به عدم همگرایی منتهی می‌شود، لذا تحقق همگرایی جهان اسلام در مرحله نخست، در گرو توسعه اقتصادی کشورهای اسلامی است و برای این منظور شناسایی پتانسیل‌ها و ضرورت‌های همگرایی و عوامل واگرایی اقتصادی کشورهای اسلامی، گام نخست برای شکل‌گیری همگرایی در جهان اسلام می‌باشد.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۹). چهارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر قومس.
- ۲- برژینسکی، زیگنیو (۱۳۸۶). انتخاب، سلطه یا رهبری، ترجمه: امیرحسین نوروزی، تهران: نشر نی.
- ۳- تقوی، سید محمدعلی (۱۳۹۲). مبانی آئین و اندیشه سیاسی در اسلام، تهران: نشر سمت.
- ۴- حسینی مقدم، محمد و صنیع اجلال، مریم (۱۳۹۱). «همگرایی جهان اسلام و آینده تمدن اسلامی»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۱، ش ۳.
- ۵- دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت (۱۳۸۸). نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه: وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: نشر قومس.
- ۶- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۹۲). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: نشر سمت.
- ۷- سارلی، ارازمحمد (۱۳۹۱). «همگرایی اسلامی (ضرورت‌ها، نمادها و عوامل)»، فصلنامه حبل‌المتین، دوره ۱، ش ۲.
- ۸- سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۹). اصول روابط بین‌الملل، تهران: نشر میزان.
- ۹- سیف‌زاده، سیدحسین (۱۳۹۰). نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل: مبانی و قالب‌های فکری، تهران: نشر سمت. ۵۵
- ۱۰- فلاحی، فیروز و همکاران (۱۳۹۱). «بررسی همگرایی نوع بتا بین ایران و کشورهای منتخب اسلامی»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، دوره ۱۲، ش ۴.
- ۱۱- فیرحی، داود (۱۳۹۱). نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران: نشر سمت.
- ۱۲- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۱). اصول روابط بین‌الملل، تهران: نشر میزان.
- ۱۳- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۹۰). اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: نشر سمت.
- ۱۴- کولایی، الهه و سازمند، بهاره (۱۳۹۰). «همگرایی منطقه‌ای در آسیا، تحلیل تطبیقی اکو و آسه‌آن»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ش ۲۷.
- ۱۵- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: نشر سمت.
- ۱۶- محمد، ماهاتیر (۱۳۹۵). «بانک‌های مالزی از ترس تحریم‌های آمریکا حساب ایرانیان را می‌بندند»، قابل دسترسی در: <https://www.bbc.com/persian/iran-50236201>
- ۱۷- محمدی، نبی‌اله (۱۳۷۰). «همگرایی و سیر تطور و تکامل آن»، فصلنامه مصباح، ش ۱.
- ۱۸- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹). تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۹- ولایتی، علی‌اکبر و محمدی، رضا (۱۳۸۹). «تحلیل تجارب همگرایی در جهان اسلام»، فصلنامه دانش سیاسی، دوره ۶، ش ۱.

۲۰- هارتمن، یورگن (۱۳۹۴)، روابط بین‌الملل، ترجمه: جواد قدسی، تهران: نشر سمت.

لاتین:

- 21- Ahmad Khan, T. (1981). Economic Integration of Islamic States, Journal of Pakistan Horizon, Vol. 34, No. 7, pp. 29-43.
- 22- Borzel, T. (2016). Theorizing Regionalism: Cooperation, Integration, and Governance, In The Oxford handbook of Comparative Regionalism, Oxford, Oxford University Press.
- 23- Cuadrado-Roura, J. R., Parellada, M. (2013). Regional Convergence in the European Union: Facts, Prospects and Policies. Springer Science & Business Media.
- 24- Dinan, D. (2000). Encyclopedia of the European Union, Boulder, London: Lynne Rienner Publishers.
- 25- Heywood, A. (2011). Global Politics, Basingstoke and New York: Palgrave Macmillan.
- 26- Iuzzolino, G., Pellegrini, G., Viesti, G. (2013). Regional convergence. In The Oxford handbook of the Italian Economy Since Unification.
- 27- Larsen, F. (2008). Theory and Practice of Regional Integration, Jean Monnet/Robert Schuman Paper Series, Vol. 8, No. 3, pp. 1-22.
- 28- Salmon, T. (2005). Europe and European Integration, Issues in International Relations, London and New York: Routledge
- 29- [UN Comtrade. \(2022\). International Trade Statistics Database. Retrieved from: https://comtrade.un.org/data.](https://comtrade.un.org/data)
- 30- World Bank (2022). Indicators, Retrieved from: [http://data.worldbank.org/indicators.](http://data.worldbank.org/indicators)